

مقدمه :

« سیستم را مجموعه ای مرکب از گروهی از اشیاء و روابط بین آنها و خواص آنها تعریف می کنند » . البته این تعریف گویای آن است که یک سیستم دارای خصوصیات ، عملکردها و یا مقاصد مجزا از اشیاء ، روابط و خواص موجود در درون آنست .

منظور از اجزاء : « سایر قسمت ها و اشیائی است که تنوع نامحدود دارند مانند اتم ها ، ستاره ها ، توده ها ، استخوان ها ... و منظور از خواص ، ویژگی های اشیاء هستند مانند شماره الکترون ها یا حالت های انرژی افقی در اتم ها ؛ دما و فاصله از ستاره های دیگر در ستاره ها ؛ جابجایی ، لحظات اینرسی ، نیروی حرکت آنی ، سرعت ، انرژی جنبشی و حجم در توده ها و ... و منظور از روابط ، روابط بین اجزاء و سیستم است که آنها را به هم پیوند می دهد . برای هر مجموعه مورد نظر از اشیاء غیر ممکن است که روابطی تعریف نشده باشد . برای مثال همیشه می توان فاصله بین دو شیء را به عنوان رابطه در نظر گرفت . در یک نگاه کلی به رویکرد سیستمی از دید دانشمندان عزیمی سیستم ها به دو دسته باز و بسته تقسیم می شوند . سیستم های باز : « آنهایی هستند که با محیط خود در تعامل اند و ماده و انرژی و اطلاعات رد و بدل می کنند » .

سیستم های بسته : « آنهایی هستند که با محیط رابطه و ارتباطی ندارند و سرانجام به نابودی کشیده می شوند » .

از دید دیگر سیستم های هدفدار : « سیستم هایی هستند که اگر تعادل و اوضاع مجموعه ایشان به هم بخورد می توانند آنرا اصلاح کنند » .

و سیستم های بی هدف : « سیستم هایی هستند که در صورت مواجهه با تشتت و در هم ریختگی ، از بازگشتن به وضع تعادل عاجزند » .

از نگاه دیگر سیستم ها یا طبیعی اند یا مصنوعی اند یا سیستم های طبیعی موجودیستمان معلول برنامه ریزی و عملکرد آگاهانه انسان نیست و به 3 دسته تقسیم می شوند :

- 1- دون ارگانیک (از سیستم های اتمی تا ویروسی)
- 2- ارگانیک (از سیستم های سلولی تا انسانی)
- 3- فوق ارگانیک (از انسانی تا جامعه) و سیستم های مصنوعی که مصنوع دست بشرند

شامل 3 دسته می شوند :

- 1- فیزیکی (از ساده ترین ماشین ها تا دستگاه های الکترونیک)
- 2- انسانی (از کوچکترین گروه تا سازمان های عظیم) و
- 3- فیزیکی - انسانی (از سیستم های انسان - ماشین تا سیستم سازمان - فرد) .

سیستم عالم و جهان هستی :

اکنون با داشتن پس زمینه ذهنی هر چند مختصر از بینش ماتریستی غرب نسبت به سیستم ها بر آنیم تا سیستم های موجود در جهان شهود را از دیدی بالاتر ببینیم . برای شروع عالم جهان هستی را به عنوان بزرگترین سیستم موجود بررسی می کنیم .

از حیوانات و نباتات و جمادات که بگذریم و تنها انسان را مورد مطالعه سیستمی قرار دهیم خواهیم دید انسان پاک و مستعد به عنوان output وارد سیستم عالم و دین می شود و پس از طی پروسه ای معین (میزان عمر مشخص او) از سیستم دنیا به عنوان input

خارج می شود . پرواضح است عالم و هستی سیستمی بسیار بزرگ است که ما تنها پروسه دنیایی آنرا آنهم فقط در مورد انسان بررسی می کنیم و به بررسی خرده سیستم های موجود در این پروسه می پردازیم .

بر اساس دلایل عقلی فراوان مثل برهان نظم ، برهان علیت و ... ثابت می شود که پیدایش جهان و ورود انسان در آن تصادفی نیست و یک مبداء توحیدی واحد دارد که آن هم خدا ، کاملترین موجود و دارای صفات بی شماری است . حکمت خدا اقتضا می کند که این آن پس از طی پروسه ، به کمال هدف خود در این مرحله رسیده باشد و آماده ورود به مرحله بعد که output سیستم هدفدار باشد و همان معاد است شود .

انسانی که ابتدای پروسه قرار می گیرد استعداد بالقوه ای برای انجام هر کاری و انتخاب هر مسیری را دارد اما با انتخاب هر مسیری ، هدف سیستم عالم تحقق نمی یابد . بنای سیستم عالم بر رشد انسان است و انسانی که طالب صراط حق باشد و خواهان رشد حقیقی ،

سیستم او را بر اساس استعدادهاي دروني و فطري به کمال خواهد رسانيد . (در ادامه بحث بیشتر توضیح مي دهيم)
اما حکمت خداوند مقتضي است که انسانها به سمت هدف هدايت شوند . لذا انسان هايي کامل و راهنما براي هدايت فرستاده که ایشان حدود و ثغور این مسیر را هر زمان بنا به فهم مردم همان زمان ارائه کرده اند و برنامه جامع زندگاني را در قالب دين تبیین کرده اند

دين اسلام که متکامل ترين دين و جامع ترين روش زندگي است ، سيستمي صالح ، کامل وبهم پیوسته است و قرآن کریم کتاب خداست که بیان کننده قواعد و قوانین این سیستم الهي تحت عنوان سنت هاي خداست .
« فمن يعمل مثقال ذره خيراً يره » و « و من يعمل مثقال ذره شراً يره » (سوره زلزال) بیان کننده اوج دقت این سیستم است .
به شما مي دهد بسته به اینکه با این عمل شما شمول کدام سنت و قانون output که شما به سیستم یک بدهيد یک input چراکه هر الهي شده باشید . براي روشن شدن بحث به چند مثال توجه کنید .

خداوند در قرآن کریم سوره بقره آیه 40 مي فرماید : اوفوا بعهدي اوفوا بعهديکم: به عهد من وفا کنید تا به عهد شما وفا کنم . عهد خدا چیست ؟ در آیه 60 سوره يس مي فرماید :

« الم اعهد اليکم يا بني ادم ان لاتعبد والشيطان انه لکم عدو مبین » عهدبنندگان اینست که بندگي شيطان را نکنند و عهد خدا اینست : عدم بندگي شيطان و خواندن خداوند را input «ادعوني استجب لکم » بخوانيد مرا تا اجابت کنم شما را (مومن-60) به بیان دیگر اگر وارد کردید ، استجاب خداوند را نتیجه مي گيريد .

جالب اينجاست که دعا و استجاب خداوند ، خود مشمول خرده مستقيم ديگري نيز است و آن اینکه این استجاب گاهي دنيايي است و گاهي اخروي . اگر این مطلب را بپذيريد که حرکت سیستم در جهت کمال است (که در آینده اثبات مي شود ان شاء ا) و اینکه انسان محاط این سیستم است : بسيار دعا و خواسته بنندگان هست که مخالف این جهت رشد است و بعضاً بسياري از دعاهاي بنندگان در نقاط مختلف در مقابل یکديگر است . بر اساس مصلحت ، سیستم راه کمال را انتخاب مي کند و دعاهايي که در این جهت است در دنيا مستجاب مي شود اما اگر دعا باشرایطش انجام شده باشد آن دعاهاي ديگر نيز مستجاب شده منتها در آخرت به او اعطا مي شود

سیستم عالم به گونه اي است که فردي که خود مي خواهد در صراط مستقيم هدايت حرکت کند ، او را هدايت کند و اشتباهات سهوي او را جبران کند " والله يهدي من يشاء " (بقره-142) "والذين جاهدوا فينا لنهديم سبلنا" (عنکبوت-69)

اگر قبول داريم خداوند حکيم است پس هدايت تک تک بنندگان به دست اوست و او براي لحظه لحظه عمر او طوري برنامه هدايت مي چيند که به کمال مطلوب خود برسد . پس کوچکترین اتفاقات و حوادثي که فرد (فردی که طالب هدايت است) در زندگي با آن مواجه مي شود در کمال او مؤثر است اما خود بايد به عنوان یک سیستم عمل کرده آن حادثه را تحليل کند. شايد در آینده در موضعي از این مورد استفاده کند. شايد به خاطر عمل نيکي يا بدی بوده که گذشته انجام شده و شايد یک امتحان الهي است براي آنکه رفتار بنده در قبال آن به منصه ظهور برسد .

هر انساني در سیستم الهي منحصر به فرد است به این معنا که استعدادها و شرایط خاص خود را دارد و موفقیت و رشد او نيز مخصوص خود اوست. اگرچه در ظاهر افراد بر اساس استعدادهاي کم يا زيادشان در جایگاه هاي اجتماعي پايين يا بالا قرار مي گيرند اما معيار واقعي مقايسه هر فرد ، استعدادهاي خود اوست يعني اگر توانسته باشد ظرف وجود را که قدر و اندازه شخصي دارد پر کند به کمال رسیده است وگرنه ، خیر .

سیستم ، دائماً با سنت هاي خود افراي که به بيراهه مي روند را به سمت صراط مستقيم هدايت پرکند يعني به وسيله همان پیامدهاي ناشي از سنت الهي که فرد مشمول آن شده مثل ضررهاي مالي ، عذاب هاي دنيايي ، امراض و.... تا فرد را متوجه خدا کند و هر بار به صراط مستقيم باز گرداند.

اسلام کلي به هم پیوسته است و نمي توان جزئي از آن را گرفت و نسبت به اجزاء ديگر آن بي اهميت بود خداوند در آیات 90-92 سوره حجر مي فرماید : « كما انزلنا علي المقتسمين الذين جعلو القرآن عضين فوربک لئنسئلهم اجمعين »
حضرت رسول (ص) در احاديث در تفسير آیه دوم فرمودند : « آنهايي هستند که به بعض کتاب ايمان آورده وبه بعض ديگر کفر ورزیدند »

در حديثي ديگر داريم از حضرت صادق (ع) که فرمودند : « پایه اسلام نماز ، زکات ، ولايت است که هيچ یک بدون آن دو ديگر درست نيست .

-2-

ايمان مجموعه اي :

اسلام یک مجموعه اعتقادي و منسجم و آئین حنیف و قیم و فطري است که ما را به ایماني مجموعه ای فرا خوانده : 4 آل عمران : « ... یقولون انا کل من عندربنا ... »

150-152 نساء : « یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض ... اولئک الکافرون حقاً » منظور از ایمان ، ایمان به همه احکام و مقررات اسلام است . در ثاني از جنبه دیگر نگاه کنیم ایمان خود مجموعه ای است متشکل از 3 قسمت عمده : باور ، قول و عمل ، که باز در نگاه سیستمی ایماني کامل است که هر 3 جنبه را دارا باشد . نتیجه ایمان غیر مجموعه ای :

1) چنین آدمی راه ناهماهنگی با جهان را پیش گرفته ، از جمع مؤمنین خارج است و به هدف نهایی « الی اللک المصیر » نخواهد رسید .
83-85 آل عمران

2) سفید و کم خرد است و در دنیا و آخرت از نظر الهی افتاده . 130 بقره

3) از سیستم الهی هر افتاده و رشد ناموزونی می کند . 179 اعراف

4) در خود دریغ دارد و اقوام به تاویل آیات طبق نظر خود کرده است . 7 آل عمران

5) ناکامی دنیا و عذاب آخرت 161-162 / 150-152 نساء

علت سرکشی این افراد آنست که به دنیا و آخرت به دید سیستمی نگاه نمی کنند .
تولد تئوری سیستم ها :

بعد از رنسانس و انقلاب صنعتی در غرب و بنا نهاده شدن مدیریت علمی تبلور ، کارها رو به تخصص گرایی گذاشت . روش تحلیلی گرایی قادر به حل موضوع سیستم ها نبود . در ریاضیات معادلات حرکتی بیش از 3 جزء قابل حل نبود و در فیزیک اتم های پیچیده تر از هلیوم قابل مطالعه . با بروز مشکلات کم کم تئوری سیستم ها در سایر شاخه های علوم به وجود آمد و پیشرفت کرد . و پژوهندگان پدیده ها را با تمامی اجزاء دیدند . اما اینان کار خود را از روبنا شروع کردند حال آنکه قاعده می بایست کار را از ریشه و بنیاد آغاز کنند و سؤال اساسی اینکه آیا علاوه بر روند طبیعی مافوق طبیعت هم وجود دارد یا خیر ؟
در نقد تئوری سیستم ها بر مبنای فکری غرب در مقدمه باید بگوییم ؛ سیستم های باز بسته اعتباری است نه مطلق و مجموعه جهان شامل اجزاء مادی و تدبیر حرکت کمال جویاند همه یک کل به هم پیچیده و شامل خرده سیستم های فراوان و دقیق است . نیز توانایی بازگشت به وضع تعادل که در نظر ایشان نشانه هدفمندی یک سیستم است ، چیزی است که تنها از زنده بودن و حرکت و ذات جوی یک سیستم پا می گیرد نه هدفمندی سیستم . اسلام هدفمندی سیستم را به مصیر و غایتی می داند که یک سیستم طبیعی از طریق سلسله مراتبی متشکل از خواست ها ، تحول ها ، تکامل ها ، ضرورت های آن بانی همگانی و سلسل روبه آن دارد .

با این دید هیچ مجموعه ای را نمی یابیم که هر گاه با تشنتی روبه رو شد نتواند به حال تعادل خود بازگردد .
در یک دسته بندی مجموعه عالم به 3 دسته غیر مستقیم ها ، شبه سیستم ها و سیستم های کامل و تمام عیار تقسیم می شوند . غیر مستقیم ها توده هایی حساب نشده اند از اجزاء .. شبه سیستم ها؛ توده هایی حساب شده از اجزاءند . و سیستم های کامل و تمام عیار ، متشکل و منسجم از اجزایی متناسب ، هم سنخ و در رابطه اکیال متقابل اند .
در نگاه کلی دیگر سیستم ها یا انسانی اند و یا الهی . سیستم های انسانی نظیر یک دستگاه ماشین فی نفسه بی حرکت و بی هدف و مانند یک توده خاک بود و نبودشان یکسان است و تنها در ارتباط با انسان که خالقشان است مفهوم مجموعه بودن را پیدا می کند و دارای حرکت و هدف می شود و سیستم الهی (طبیعی) به خودی خود زنده ، متحرک و هدف جویند و به طور دائم از مبدأ فیض برخوردارند و قائم با اویند و وجودشان در گرو ارتباط و در سیر کمال به سوی مراتبی برتر پیش می روند .

تعریف سیستم :

1) سیستم عبارتست از مجموعه اجزاء متناسب و بالنسبه مهمی که با دو عامل بهم پیوسته مکانیکی و هدف گیری شده تحت شرایط مساعد ، به منظور انجام عملیاتی مشخص و منظم بر روی چیزهایی معین به نام وارده ، در جهت بدست آمدن چیزهای مشخص به نام

صادره با یکدیگر پیوستگی داشته و متشکل گردیده اند و تا زمانی که تناسب و به هم پیوستگی اجزاء مذکور بر اثر عوامل داخلی یا خارجی از بین نرفته (یا همچنان با تغییر و تحول شرایطی که سیستم در آن وجود دارد هماهنگ و همگام باشد) مجموعه به حیات خود ادامه خواهد داد.

(2) هر مجموعه از اجزایی متناسب ، هم سنخ و در رابطه اکمال متقابل تشکیل گردیده است که بین این اجزاء روابطی بر اساس توحید برخوردارند و از طریق رشد و سازندگی متقابل اجزاء رو به مرتبه ای بالاتر از هدف توحیدی دارند .
اجزاء متناسب هم سنخ و در رابطه اکمال متقابل :

(3) اجزای متناسب ، هم سنخ و در رابطه اکمال متقابل:

مجموعه های جهان بر اثر روابط توحیدی آنچنان هم بستگی و انسجام پیدا کرده اند که در هر مجموعه می بینیم :

(1) یک کل منسجم و واحد و یکپارچه است. به عبارت دیگر دارای هویت توحیدی است و هم مظهری از اصل توحید است و هم از این اصل تبعیت می کند یعنی دارای عویت توحیدی پویاست به طوریکه به سوی هویت توحیدی برتر در حرکت است .

(2) کلی است که در برترین اشکال و با تمام وجود بر انگیخته است و تشنه نیل به هویت توحیدی مرتبه بالاتر می باشد به طوریکه مظهر و مجسمه ای از اصل بعثت است و هم در پیروی دائم از این اصل می باشد .

(3) کلی است که از افراط و تفریط در هر لفظه به دور است و در کل و جزئش هر چیزی در جای خود و در نقطه میانه قرار دارد یعنی در مقام عدل به طوریکه مجموعه از هر نظر مجسمه ای از اصل عدالت است و مستمراً از این اصل تبعیت می کند .

(4) کلی است که در موزون ترین و منسجم ترین و صالح ترین اشکال قرار دارد یعنی عدل است و در کانونی ترین نقطه از خط وسط قرار دارد . در حد خودنمونه کامل و تمام عیار تشکیل و شکل و اسوه و پیشاهنگ است و به بیان دیگر مجسمه ای از اصل امامت است و پیرو دائمی این اصل .

« لقد خلقنا الانسان في احسن تقديم » (سوره تین-4)

انسان در بهترین وجه خود آفریده شده است حتی اگر چه در دنیا در نازلترین مرتبه روحانی است و باید به کمال خود برسد اما این صورت ، احسن است و این در مورد هر موجود دیگری نیز صادق است چون سیستم ، سیستم احسن است .

(5) کلی است که با قرار داشتن در مرتبه ای از مراتب کمال خود ، همچنان در جهت معاد نهایی و مراتب برتری از کمال در حرکت است و دارنده اجل و مهلتی معین و نامبرده است . (قدر معلوم)

برخلاف نظریه عمومی مستقیم که بر 4 نکته اشاره دارد : 1- وحدت الگویی رشدی 2- وحدت الگویی رشد ابزار مناسبی برای شناسایی پدیده ها 3- مدل سازی راه حل شناسایی شباهت بسیاری از پدیده هاست 4- هر سیستم اجزائی دارد اهمیت این اجزاء سلسله مراتب را مشخص می کند . ؛

رابطه بر اساس توحید را یک قاعده عمومی سیستم معرفی می کنیم.

جهان مشهود و هر پدیده آن مجموعه ای خاص است در سطح کل با دو جنبه حائل خلف امر ، ظاهر - باطن ، پوسته - محتوا ، خطر پیدا کرده و به طوریکه جنبه ظاهری شامل اجزایی متناسب ، هم سنخ و در رابطه اکمال متقابل می گردد و جنبه باطن مربوط به پیوستگی ، حیات و تدبیر آن می شود و پدیده با پیروی از این فطرت که شالوده وجودش بر اساس آن استوار است رو به فطریهایی مسلسل و آن به آنی داشته و به این ترتیب در سوی الله که کمال مطلق است پیش می رود .

(1) جهان مشهود هر پدیده آن مجموعه ای خاص است :

الف) تعریف ما شامل جهان شهود هر پدیده آن می شود

ب) به هر کدام از آنها به عنوان یک مجموعه خاص می نگرند

جهان مشهود واقعیتهای به هم پیوسته است و از بی نهایت زیر مجموعه ریز و درشت که در یک سلسله مراتب تشکیل و تشکل یافته اند

تشکیل گردیده است . سلسله مراتبی که در پایین ترین مراتب آن نشأت گرفته و در مراتب بالاتر اجزاء با هم متشکل شده و مجموعه های بزرگتر و در نهایت جهان مشهود تشکیل داده اند .

جهان و هر پدیده آن مجموعه ای خاص است هر مجموعه با تمام ویژگی های مشترکش با دیگر مجموعه ها، از خصوصیات منحصر به فرد برخوردار است که نه زیر سیستم ها و نه اجزاء تشکیل دهنده اش و مجموعه های بزرگتری که خود عضو آنهاست آن ویژگی ها را ندارد . به عنوان مثال آب ماده ایی است مرکب از 2 اتم (هیدروژن) 1 اتم (اکسیژن) که با آنکه ترکیب دو ماده است و قابل تجزیه مجدد به آنها ولی هیچ یک از ویژگی های آن ها را ندارد .

توضیح خلق و امر :

از دید مادی گرایانه ، همه چیز سیستمی بسته و صرفاً متشکل از ماده و انرژی و اطلاعات است اما امر جزئی از واقعیت جهان است که با دیدگاه الهی، سیستم ها نسبت به این جنبه بازند امر حقیقتی است که در جهان هستی ساری و جاری است و قوانین خاص خود را دارد و همگی در جهت رشد بشر و شکل گیری حقیقت است اما همیشه با حساب های مادی جود در نمی آید .
به عنوان مثال قرآن کریم فرموده : « ولا تجعل الله الکافرین علی المومنین سییلا » بیان کننده قاعده نفي سیل الله است یعنی امر خدا به عنوان حقیقتی در عالم بر این تعلق گرفته که کافران بر مومنان تسلط پیدا نکنند . چنانچه در جنگ بدر که تعداد کفار چندبرابر مومنین بود خداوند با کمک امدادهای غیبی خود و فرشتگان الهی اوضاع را به نفع مؤمنان به پایان رسانید .
(آل عمران)

از سویی امر خدا بر این تعلق گرفته که سر نوشت اقوام تغییر نکند مگر به خواست خودشان (ان الله لا یغیر و ما یقوم حتی یغیر و اما بانفسهم) می خواهیم بگوئیم حق این قوانین و سنت ها هم در کنار هم و در یک سیستم تعریف می شوند و همه را باید با هم دید . مثلاً از کنار هم قرار دادن این دو سنت متوجه می شویم که سنت عدم تسلط کافران بر مؤمنان به شرط خواست خود مومنان است چنانکه در جنگ بدر اتفاق افتاد و گر نه هیچ تضمینی ندارد .
جنبه امر نیز در حد خود سیستمی باز است و در ارتباط با مشیت خدا که از آن نیرو می گیرد و مشیت الهی هم همان وجود مطلق و منبسط است که ظهور اطلاقی ذات مقدس خداست .
دایرة آفرینش و مسیر تکامل :

دایرة آفرینش تمام مخلوقات را در مرتبه ای از مراتب دربر می گیرد و شامل 2 قوس نزول و صعود است .

مشیت الله

قوس نزولی قوس صعودی

هیولی (خمیرمایه)

آغاز قوس نزول مشیت الهی هست و فیض وجود پس از صدور از منبع فیاض ، در قوس نزول سیر می کند و مراتب گوناگونی را پشت سر می گذارد و در هر مرتبه تعیینات و حدود و قیودی خاص پیدا می کند و قدم به قدم به پایین ترین نقطه قوس نزولی نزدیک می شود تا به هیولی می رسد و سیر صعودی در اینجا آغاز می شود .

اول صورت امتداد جسمانی را پیدا می کند .

دوم دنیای طبایع عنصری را طی می کند .

سوم عوالم جمادی ، نباتی و حیوانی را سیر می کند.

و چهارم به عالم انسانی می رسد .

جهان شعور و آنچه با حواس ظاهر حس می کنیم عالم خلق است و در دو طرف آن جهان باطن قرار دارد . یعنی خلق به وسیله امر دربر گرفته شده است . بعد از آن انسان بالقوه مراحل کمال را طی میکند تا به تقرب خدا هر روز بیشتر برسد .

«و ما خلقت الجن و الانسان الا ليعبدون» (ذاریات-56)

امر خدا بر این تعلق گرفته است که راه کمال و تقرب خدا از مسیر عبادت او و فقط او می گذرد و تنها انسان هایی به کمال و هدف سیستم الهی می رسند که با اطاعت امر او تحت امر او قرار بگیرند .

امروزه با پیشرفت علوم ، نظریه سیستم ها به حدی از رشد رسیده اما از آنجا که هنوز زیربنا را قبول نکرده و به عالم امر راه پیدا نکرده باز دیدی تا حدی مادی دارد . به عنوان مثال تکامل در سیستم های زنده را در تعامل با محیط و از طریق 3 نوع واکنش

اساسي
مي داند :

1- تسليم و قبول 2- فرار 3- تسلط كامل يا ناقص

در واكنش اول به چارچوب تخصصي و در نهايت بن بست مي رسد و تنها واكنش سوم است كه تكامل تقريباً نامحدودي را از طريق فرايندهاي يادگيري و پيچيدگي فراهم مي آورد البته به شرط سازگاري مساعد با شرايط جديد .
اصل دوم كار نو نظم در بي نظمي را بيان مي كند كه هر سيستم بسته اي در جهت آشفته گي هر چه بيشتر تكامل مي يابد در صورتيكه كشفيات زيست شناسي نشان مي دهد كه هر سيستم طبيعياً به سوي ساختاري بسيار پيچيده پيش مي رود .
نظريه تكامل با تاكيد بر روابط تعاملتي بين سيستم و محيط امكان كنار گذاشتن اين تضاد ظاهري را فراهم مي آورد . بين فرايند حفظ سيستم ها و تكامل آنها اولاً گسستگي وجود ندارد . وثانياً حركت مداومي در جهت ايجاد تعادل - تكامل بر حسب شدت مسائل پيش آمده و زمان موجود ، برقرار است . در اينچنين حالي سيستم به طور لايق قطع از طريق تغييرات در ساختار دروني خود در وهله اول از حالت تعادلي به سازگاري و سپس به يك جهش واقعي از نوع تكاملي پا مي گذارد .
تمام پديده ها و تمام جهان شهود چيزي نيست جز تعيينات گوناگون هيولي يا ماده المواد كه بوسيله دست نيرومند و پر برکت امر كه واسطه فيض الهي است پرورده گرديده و آن اشكال و قدر و اندازه ها را پيدا کرده اند و باز همچنان مستمراً از همين طريق در دست پرورش رب العالمين قرار داشته و فيض الهي لايق قطع به سويشان در جريان است و در سير ضرورتي آن به آني در جهت الله كه كمال مطلق است مي رود .
علت ويژگي انحصاري هر مجموعه هم اينست كه آن پديده مثل آب چيزي نيست جز جلوه از فيض وجود با وساطت عالم امر . يعني زائنده ميل تركيبی دو عنصر است كه از عالم امر نشأت مي گيرد . O, H, H پيوستگي
فطر :

سيستم عبارت است از جهان شهود و هر پديده آن در سطح كل با دو جنبه حائل خلق - امر ، فطر پيدا کرده است . فطر يعني آفريدن ، آغاز و ايجاد ابتكاري است كه منظور آن شكافتن و سر بر آوردن تكامل است .
موجودات جهان بر پايه حركت جوهری در سير ضرورتي مستمر و آن به آني قرار دارند و در مراتب و مقاطع گوناگون ، پوسته موجوديت فعلي خود را كه به لحاظ تكامل بالنسبه پست تر است ، شكافته و به صورتي كاملتر سر بر مي آورد . اين همان امر است .
فطرت به معني ملازمت و همگامي با كيفيت « ايجاد » و « وجود » بيانگر يك طريقه و يك آييني است كه با شالوده وجود انسان در انطباق كامل باشد .
« فاقم وجهك للدين حنيفاً فطرت الله التي فطر الناس عليها » (30 روم)

جمع بندی

سوره فاطر حاوي سنت هاي بسيار زيادي از سنت هاي الهي است و بواقع كسي كه مي- خواهد در سيستم جهان هستي كامياب شود ، بايد از قوانين آن براي رشد خود در صراط مستقيم آگاه باشد . قرآن كريم كتابي جامع و سوره فاطر بويژه مبين ساير قوانين اين سيستم عالم هستي است چه خوب است كه به آن تمسك جوييم .
« ياايها الناس ان و عداالله حق فلاتغرنكم الحيوه الدنيا و لا يغرنكم بالله الغرور » (5 فاطر)
وعده خدا حق است اما نبايد زندگي دنيايي شما را فریب دهد و نه امید به رحمت خدا شما را غوطه ور در گناه سازد . (قانون تعادل) .

دكتور فریدون وردی نژاد
وحید شهرام

منابع :
قرآن كريم :

جامعیت در نظر و عمل اسلامی ، سید محمد حسینی سیاه پوش اردیبهشت 62 .
نگرشی اجمالی بر انواع سیستم ها ، مؤسسه مطالعات بازرگانی .
نظریه سیستم ها ، دانیل دوران ، ترجمه دکتر محمد یمنی .